



آیت‌الله صافی: دنیا مدیون نهضت علمی امام صادق(ع) است

آیت‌الله صافی گلپایگانی، در نوشتاری به مناسبت سالروز شهادت حضرت جعفر بن محمد الصادق(ع)، مجامع علمی دنیا را مدیون نهضت علمی آن حضرت خواند.

آیت‌الله صافی گلپایگانی، در نوشتاری به مناسبت سالروز شهادت حضرت جعفر بن محمد الصادق(ع)، مجامع علمی دنیا را مدیون نهضت علمی آن حضرت خواند.

به گزارش گروه دریافت خبر خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا)، متن کامل نوشتار این مرجع تقلید به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

امام جعفر صادق علیه السلام در نیمه اول قرن دوم هجری، مدرسه‌ای افتتاح فرمود که در تا آن زمان در اسلام سابقه نداشت، و پس از آن عصر نیز نظیر آن دیده نشد؛ این مکتب و مدرسه آن حضرت بود که بزرگترین علمای علوم قرآن و فقه و کلام و شیمی و غیره را به دنیا تحویل داد.

فقه شیعه که متضمن هزارها ماده قانونی و تعلیمی، و برنامه‌ای عملی و اخلاقی اسلامی است در بیشتر و بلکه تقریباً در تمام موارد، مدیون علوم بی‌پایان امام صادق علیه السلام است.

در مثل احکام حج که یکی از بزرگترین فرائض اسلام، و متضمن فلسفه‌های عالی و با ارج است، دنیای اسلام از دریای علوم امام صادق علیه السلام مستفیض است و به قول ابوحنیفه، همه عاقله امام جعفر صادق اند، و حدیثی در صحیح مسلم از کتب اهل سنت از آن حضرت روایت شده است که مأخذ حدود چهارصد ماده راجع به احکام حج است که اهل سنت از آن پیروی می‌نمایند.

آری! در اوضاع و احوال سیاسی کشورهای اسلامی در آن زمان، حضرت صادق علیه السلام مجال و فرصتی مهم یافت تا بزرگ‌ترین نهضت علمی را رهبری فرماید و مدرسه‌ای افتتاح کند که معروف‌ترین علماء اسلام در آن تلمذ و شاگردی کرده و اخذ حدیث و علم نمایند.

علوم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، بلاد و مجامع علمی اسلامی را فرا گرفت و علماء عراق و حجاز و خراسان و شام از ایشان اخذ علم نموده و در مشکلات علمی و معضلات مسائل اسلامی تنها آن حضرت حلال مشکلات و دفاع معضلات بود.

آنچه که بیشتر شایان توجه و تأمل است این است که رهبری آن حضرت در علوم اسلامی منحصر نیست، بلکه در سایر دانش‌های متنوعه مانند نجوم و هیئت و ریاضی و طب و تشریح و معرفة النفس و شیمی و نبات‌شناسی و علوم دیگر از این قبیل نیز شاگردانی تربیت کرد که در این فنون معروف و مشهورند و همان مقالات و احادیث و کتاب‌هایی که از ایشان در صفحه روزگار باقی مانده و زینت‌بخش کتب مسلمین است، مانند توحید مفضل و رساله اهل‌بجعه و مباحثات آن حضرت با ملاحده، همه و همه شاهد این گفتار است که مکتب حضرت مانند یک دانشگاهی بود که دانشکده‌های عمده در علوم مختلفه در آن تأسیس شده باشد و در هر مکتب و دانشکده مباحثه و درس و تحقیق راجع به علم خصوصی تعقیب و دنبال شود.

به طور مثال، یکی از علومی که مسلماً حضرت صادق علیه السلام تدریس نموده و عنایت به آن داشته‌اند، علم شیمی بوده که از آن دانشگاه بزرگ، مردی نابغه به نام جابر بن حیان فارغ التحصیل شد که اگر از زمان جابر بن حیان تا حال دنبال نتایج استفاده‌های این مرد را از امام ششم و فحوصها و تحقیقات و بحث‌های علمی او را گرفته بودیم و به علوم دیگر که مورد نیاز جوامع متمدن و پیشرفته است اهمیت داده بودیم، امروز در میدان مدنیت مادی، به غرب و اروپا و آمریکا که هرچه دارند از دولت سر اسلام و اصول عالی آن و از برکات مساعی علماء مسلمین دارند محتاج نمی‌شدیم.

همان شاگردی که در اکثر علوم اسلامی و طب و تشریح و نجوم و هیئت و فلکیات و محیطی و طبیعی و ریاضیات و شیمی و فلسفه و منطق و اخلاق و تاریخ و ادب و شعر و معرفة الحيوان و نبات شناسی و مرآیا و صنعت اسلحه‌سازی و غیره عالم و متبحر بوده است.

همو که نخستین کسی است که برای تجارب علمی و تعیین مقادیر اشیاء که مورد تجربه او بود، میزان استعمال کرد، و مقادیر صغیره‌ای را که در عصر ما جز با میزان‌های حساس و دقیق نمی‌توان سنجید، معین نمود، و بعد از ششصد سال در اروپا، علماء شیمی در تجارب خود از میزان استفاده کردند.

همان دانشمندی که پیش از 10 قرن نظریه مشهور جون دالتون فیزیک‌دان و شیمیست و طبیعت‌شناس انگلیسی را راجع به اتحاد بین دو عنصر در کتاب خود به نام (المعرفة بالصفة الالهية و الحکمة الفلسفية) صریحاً اعلام کرده است که افتخار وضع این نظریه نصیب جابر است نه «جون دالتون».

آری! یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام همان جابر بن حیان است که یکی از کارهای بزرگ او که نبوغ فکری و علمی او را ثابت می‌کند، اختراع مداد نوری برای امکان قرائت در تاریکی است که در کتابت کتب مهم و با ارزش از آن استفاده می‌شد.

غرض آن که هر کدام از شاگردان این مکتب خود به تنهایی، دلالت بر عظمت بی‌منتهای این مکتب می‌کنند و البته این مدرسه و دانشگاه بزرگ، نه تنها دانشمندان شیعه، بلکه دانشمندان بزرگ از مخالفان مکتب اهل بیت علیهم السلام، را به اعتراف واداشته و همه به صراحت، اعلم و افقه بودن آن امام به حق ناطق را بیان کردند: ابوحنیفه رئیس احناف می‌گوید: «مَا رَأَيْتُ أَفْقَهَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ مِنْ فَقِيهٍ أَفْقَهَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ نَدِيدَهُ».

یا این که نجاشی در رجال خود از احمد بن عیسیٰ اشعری نقل کرده که می‌گوید: «من در طلب علم حدیث به کوفه رفتم و در آنجا به خدمت حسن بن علی و شام رسیدم، به او گفتم: کتاب علاء بن زرین و ابان بن عثمان احمر را به من بدهید تا از روی آن‌ها نسخه‌برداری کنم؛ او آن دو کتاب را من داد، گفتم: اجازه روایت نیز بدهید. فرمود: خدا تو را رحمت کند، چقدر عجله داری ببر بنویس؛ سپس بیا برای من بخوان تا بشنوم؛ آن‌گاه اجازه روایت بدهم. گفتم: بر خودم از پیشامدهای زمان خاطر جمع نیستم.

حسن بن وشا گفت: عجب! اگر من می‌دانستم که حدیث این‌گونه مشتری و خواهان دارد، بیشتر از این جمع می‌کردم. من در مسجد کوفه ۹۰۰ شیخ را درک کرده‌ام که همه می‌گفتند: حدیث کرد مرا جعفر بن محمد.»

واقعاً این چه مدرسه و دانشگاه بزرگی بود که موافقان و مخالفان را به تعجب و حیرت واداشت و به مرور زمان نشان داد این که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها می‌فرمود: عترت من و اهل بیت من؛ برای همین مقامات و علوم و درجاتی بود که این‌ها داشتند و اما متأسفانه سیاست به سمت ترک رجوع به اهل بیت علیهم‌السلام پیش رفت تا آنجا که مثل بخاری از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام یک روایت هم نقل نکرده است. به قول شاعر:

قُضِيَتْ أَشْبَهُ بِالْمَرْزُوقَةِ * هَذَا الْبُخَارِيُّ إِمَامُ الْفَيْئَةِ

بِالصَّادِقِ الصِّدِّيقِ مَا إِحتَجَّ فِي * صَحِيحِهِ وَ إِحتَجَّ بِالْمَرْجُوقَةِ

إِنَّ الْإِمَامَ الصَّادِقَ الْمُجْتَبَى * بِقَضَائِهِ الْآيَ أَتَتْ مِنْبُئَةً

أَجَلَّ مِنْ فِي عَصْرِهِ رُبَّةً * لَمْ يَقْتَرَفْ فِي عُمُرِهِ سَيِّئَةً

قَلَامَةً مِنْ ظَفَرِ إِبْهَامِهِ * تَعْدِلُ مِنْ مِثْلِ الْبُخَارِيِّ مِئَةً

باید قدر این مکتب و این گنج گران‌بها و معارف ناب را دانست و همگان در این دانشگاه بزرگ، زانوی تلمذ و شاگردی بزنند و در ایام شهادت آن امام همام علیه‌السلام، همانند سابق در مجالس عزای آن حضرت شرکت کنند و با شکوه هر چه بیشتر این ایام را تجلیل و احترام نمایند.»